

ملاحظاتى بر

چالش‌هاى فقه سياسى

منصور مير احمدى

شناسنامه پژوهشى

عنوان تحقيق: ملاحظاتى بر چالش‌هاى فقه سياسى

پژوهشکده: نظام‌هاى اسلامى، گروه علمى: سياست

محقق: منصور مير احمدى

ارزيابان علمى: آقاىان سيد سجاد ايزدهى، سيف‌الله صرامى و ابوالحسن حسنى

ويراستار علمى: محسن مهاجرنيا

موضوع اصلى: فقه

مدت انجام تحقيق: ۳ سال و نيم



ملاحظاتى بر

چالش‌های فقه سیاسى

منصور میر احمدى

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى

چاپ اول: ۱۳۹۲ شمارهگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدامان نوری نجفى

چاپ و صحافی: چاپ بیدار

سرشناسه: میر احمدى، منصور، ۱۳۴۷.

عنوان و نام پدیدآور: چالش‌های فقه سیاسى / منصور میر احمدى.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهرى: ۱۹۶ ص.

شابک: ۹-۲۰۰-۱۰۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسى: قیما

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: علوم سیاسى (فقه).

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.

رده‌بندى کنگره: ۱۳۹۱ ۹۲/ع۸/۱۹۸ BP

رده‌بندى دیوبندى: ۲۹۷/۳۷۹

شماره کتابشناسى ملی: ۳۰۰۶۸۹۷

فروشگاه و نمایشگاه دائمى: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتى، پلاک ۳۰

تلفن: ۰۲-۵۴۰۵۴۰۸۸۵ - ۰۲۳۳۱-۸۸۵

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	فصل اول: چارچوب مفهومی
۲۱	مقدمه
۲۲	۱. فقه سیاسی
۳۹	۲. چالش
۴۲	جمع‌بندی
۴۵	فصل دوم: چالش‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی
۴۷	مقدمه
۴۸	۱. چالش‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی در ارتباط با فقه
۵۵	۱-۱. تفاوت ماهوی فقه سیاسی با دانش مدیریت و تدبیر سیاسی
۵۶	ملاحظات
۵۷	۱-۲. نارسایی فقه سیاسی دانشی در معرفت‌بخشی
۵۸	ملاحظات
۵۹	۱-۳. نارسایی فقه سیاسی در زمینه محاسبه و پیش‌بینی در تنظیم مناسبات سیاسی
۶۰	ملاحظات

- ۴-۱. فقه سیاسی عامل تعطیلی عقل در تنظیم و تدبیر زندگی سیاسی ۶۱
- ملاحظات ۶۲
- ۴-۱. ناتوانی فقه سیاسی در پاسخ‌گویی به تمامی نیازهای اساسی زندگی سیاسی ۶۳
- ملاحظات ۶۴
۲. چالش‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی در ارتباط با سیاست ۶۵
- ۱-۱. هویت تناقض‌گونه فقه سیاسی ۷۱
- ملاحظات ۷۳
- ۲-۲. ماهیت غیرعلمی فقه سیاسی ۷۵
- ملاحظات ۷۶
- ۲-۳. ماهیت غیرکاربردی فقه سیاسی ۷۷
- ملاحظات ۷۹
- جمع‌بندی ۸۰
- فصل سوم: چالش‌های روش‌شناختی فقه سیاسی ۸۱
- مقدمه ۸۳
۱. چالش‌های روش‌شناختی فقه سیاسی در ارتباط با فقه ۸۳
- ۱-۱. توجه افزون به فردیت مکلف و توجه اندک به هویت‌های جمعی ۹۳
- ۱-۲. افزایش احتمال خطا در فهم احکام شرعی در زندگی سیاسی ۹۴
- ۱-۳. کاهش زمینه تبادل نظر فقیهانه مجتهدان در عرصه سیاست ۹۴
- ۱-۴. کاهش حضور مؤثرتر مرجعیت دینی در زندگی سیاسی و افزایش نوعی عرفی‌گرایی ۹۵
- ملاحظات ۹۶
- ۱-۴-۱. کاهش خطاپذیری در فهم احکام و آموزه‌های سیاسی ۱۰۲
- ۱-۴-۲. افزایش انطباق‌پذیری واقعیت‌های زندگی سیاسی با شریعت و بالابردن ۱۰۴
- ۱-۴-۳. حضور مؤثرتر مرجعیت دینی در زندگی سیاسی و پرهیز از نوعی عرفی‌گرایی ۱۰۵
- ۱-۴-۴. امکان بهره‌گیری از افکار فقاهتی مختلف و متعدد و پرهیز از تکراری ۱۰۶
۲. چالش‌های روش‌شناختی فقه سیاسی در ارتباط با سیاست ۱۰۸

۱-۲. فقه سیاسی و سیاست به مثابه علم در دوران مدرن.....	۱۰۹
ملاحظات.....	۱۱۴
۲-۲. فقه سیاسی و سیاست به مثابه علم در دوران پسامدرن.....	۱۱۹
۲-۲-۱. ظهور نسبیت‌گرایی و معیار داوری نسبت به اجتهاد برتر.....	۱۲۴
۲-۲-۲. تعیین‌کنندگی پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌ها در فهم اجتهادی.....	۱۲۵
۲-۲-۳. نادیده انگاشتن اراده شارع و جایگزینی اراده مجتهد به مثابه مفسر در فهم اجتهادی.....	۱۲۶
ملاحظات.....	۱۲۷
جمع‌بندی.....	۱۲۹
فصل چهارم: چالش‌های موضوعی فقه سیاسی.....	۱۳۳
مقدمه.....	۱۳۵
۱. چالش‌های موضوعی فقه سیاسی در ارتباط با فقه.....	۱۳۶
۲. چالش‌های موضوعی فقه سیاسی در ارتباط با سیاست.....	۱۴۰
۱-۲. گسست مفهومی از مفاهیم مدرن.....	۱۴۰
ملاحظات.....	۱۴۲
۲-۲. گسست شریعت ثابت و سیاست متغیر.....	۱۴۵
ملاحظات.....	۱۴۸
۲-۳. گسست فقه سیاسی از سیاست معاصر.....	۱۵۳
۱-۲-۳. فقه سیاسی و مسائل سیاسی در جهان اسلام.....	۱۵۴
ملاحظات.....	۱۶۲
۲-۳-۲. فقه سیاسی و مسائل سیاسی در نظام بین‌الملل.....	۱۶۳
ملاحظات.....	۱۶۶
جمع‌بندی.....	۱۶۹
فصل پنجم: سخن کتابنامه.....	۱۷۱
کتابنامه.....	۱۸۱
نمایه موضوعی.....	۱۸۹
نمایه اعلام.....	۱۹۳

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی بر اساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک سو و شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام به منزله دین هدایت‌فرد و اداره جامعه، نظام‌های اجتماعی آن را ترسیم کند و دیدگاهش در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، مبتنی بر منطقی مستدل و مستند باشد. تا بینش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان آسیب‌شناسی و ساحت‌قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون پیراسته شود.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌مند بر امر کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و هم‌تی و تلاش و شایسته و روزآمد می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی متخصص و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی است در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه در قالب پنج پژوهشکده نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، حکمت اسلامی، دین‌پژوهی، دانشنامه‌نگاری دینی و مرکز

پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی که مشتمل بر پنج گروه اخلاق، اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست و مدیریت اسلامی است، به‌ویژه با مطالعه نظام‌های اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی اسلام؛

۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛

۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدرسانی به متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛

۴. تحقیق درباره مسائل نوپدید با انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپدیدای فقهی؛

۵. پاسخ‌گویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی اسلام؛

۶. شناخت و نقد علمی مکاتب و نظامات معارض.

تحقیق حاضر که در گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه طراحی، تحقیق و تدوین شده است، نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب دکتر منصور میراحمدی دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است. محقق محترم در این پژوهش با این پیش‌فرض که فقه سیاسی مهم‌ترین دانش در تدبیر سامانه زندگی مؤمنانه بوده و انقلاب اسلامی نقش بسیار مهمی در شکوفایی آن داشته است، به بررسی اهمیت و جایگاه فقه سیاسی می‌پردازد. تحقیق حاضر بر این باور است که فقه سیاسی دانشی ارتباطی است که از رابطه میان فقه عمومی و سیاست شکل می‌گیرد و به لحاظ جهات سه‌گانه معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و موضوع‌شناختی، از این دو دانش تأثیر می‌پذیرد. طبعاً موانع، آسیب‌ها و چالش‌هایی که در فقه سیاسی وجود دارد، ممکن است از این سه جهت در ارتباط با دو دانش فقه و سیاست نشئت گرفته باشد. ضرورت تحقیق در باب چالش‌های فقه سیاسی از این روی است

که زمینه مناسبی برای شناخت آسیب‌ها فراهم و راه برطرف کردن آنها و در نتیجه راهکار مناسب برای فعال‌سازی این دانش عملی را مهیا می‌کند. این تحقیق با شناسایی حدود بیست چالش طرح‌شده یا طرح‌پذیر موجود، آنها را در سه دسته روش‌شناختی، معرفت‌شناختی و چالش‌های موضوعی تقسیم کرده است و با پاسخ‌های متناسب و کوتاه به آنها، معتقد است بسیاری از ایرادهایی که چالش دانسته شده‌اند، کسانی طرح کرده‌اند که نسبت به ماهیت فقه سیاسی، نقش معرفتی و کارآمدی آن آگاه نبوده‌اند و از این روی، امکان طرح ندارند، بلکه محقق محترم در برخی موارد، ضمن نقد این چالش‌ها، راهکارهایی نیز در برون‌رفت از آنها و کارآمدتر کردن فقه سیاسی ارائه کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم از دانشور گرامی دکتر منصور میراحمدی، اعضای محترم شورای علمی گروه سیاست و ارزیابان محترم اثر حجج اسلام دکتر سیدسجاد ایزدهی، سیف‌الله صرامی و ابوالحسن حسینی و همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی چاپ و توزیع این اثر است؛ قدردانی و تشکر کنیم.

در خاتمه امیدواریم دیدگاه‌های صائب خوانندگان عزیز و علاقه‌مند به دانش سیاسی اسلامی، ما را در اصلاح و تکمیل اثر حاضر یاری کند.

گروه سیاست
پژوهشگاه نظام‌های اسلامی

مقدمه

بیان موضوع

مطالعات فقهی دربارهٔ سیاست و زندگی سیاسی سابقه‌ای دیرینه دارد. بسیاری از آثار و متون فقهی در گذشته، به موضوعات و مسائل سیاسی-اجتماعی پرداخته و احکام شرعی ناظر به این موضوعات و مسائل را تنظیم و بیان کرده‌اند. مراجعه به این دسته از آثار نشان‌دهندهٔ تلاش فقهای متعددی در استخراج احکام شرعی زندگی سیاسی و تنظیم آنها در قالب ابواب مختلف فقهی است. از قدیم این تلاش‌ها را «احکام سلطانی» می‌نامیدند. در این زمینه، می‌توان آثار مکتوب مهمی را شناسایی کرد و نام برد. با وجود این، بحث از هویت معرفت‌شناختی این مجموعه آثار، بحثی چندان گسترده و دیرینه نیست. از قدیم مجموعه آثار موسوم به احکام سلطانیه آنگاه که در طبقه‌بندی دانش‌ها وارد شده‌اند، گزاره‌هایی تشکیل داده‌اند که کنار هم قرار دادن آنها شاخه‌ای از دانش اسلامی را در تاریخ تمدن اسلامی با نام «فقه سیاسی به مثابه شاخه‌ای از دانش فقه» تأسیس کرده است.

به عبارت دیگر، از قدیم در طبقه‌بندی فقه به مثابه یکی از مهم‌ترین اقسام دانش اسلامی، سه شاخهٔ مهم فقه‌العبادات، فقه‌المعاملات و فقه‌السیاسات نام برده شده است. بر اساس این طبقه‌بندی، آنچه این سه شاخهٔ فقهی را از

یکدیگر متمایز می‌کند مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی نیست، بلکه موضوع و مسائلی است که در آن سه شاخه بررسی می‌شود. در حالی که شاخه نخست به عبادات و مسائل آن و شاخه دوم به معامله و مسائل آن می‌پردازد، موضوع فقه‌السیاسات، شاخه سوم فقه، سیاست و مسائل آن است. این شاخه نیز همچون دو شاخه دیگر، عهده‌دار کشف احکام شرعی ناظر به افعال انسان است، اما با پسوند سیاسی آن چنین نگرشی به فقه سیاسی به‌رغم داشتن پیشینه طولانی، کمتر مورد توجه و درباره‌اش کنکاش علمی شده و بیشتر نگرشی رایج و سنتی تلقی شده است، اما تحولات سیاسی-اجتماعی در جهان اسلام در دوران معاصر، نگرش یادشده را با پرسش‌هایی روبه‌رو کرده است.

از این میان، به‌ویژه می‌توان به تأثیر انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد. این رخداد شگرف سیاسی فقط در شعاع داخلی انقلاب اسلامی تأثیرگذار نبوده است، بلکه در شعاع خارجی آن نیز بحث از فقه سیاسی و نسبت آن با حکومت دینی را به بحثی جدی و دامنه‌دار تبدیل کرده است. مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی به این بحث اساسی پرداختند و در نتیجه در این زمینه ادبیات مناسبی تولید شده است. این ادبیات ضمن اینکه نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خاص فقه سیاسی در نظام‌سازی اسلامی در ایران پس‌انقلابی بوده است، پرسش‌ها و چالش‌های تازه‌ای فراروی آن به وجود آورده است. پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران زمینه شکل‌گیری نگرشی دیگر درباره فقه سیاسی را فراهم کرد که آن را «فقه سیاسی به‌مثابه دانش سیاسی اسلامی» می‌نامند.

همچنین موجب طرح پرسش‌ها و چالش‌هایی در برابر این نگرش جدید به فقه سیاسی شد. در کنار پرداختن به ارتقای جایگاه معرفت‌شناختی فقه سیاسی در پی حوادث و تحولات یادشده، می‌توان درباره پرسش‌های نو در این زمینه نیز سخن گفت. این امر محور اساسی پژوهش حاضر است. همچنین نبود سابقه پژوهشی از این دست، تا آنجا که نگارنده جست‌وجو کرده، بر اهمیت و ضرورت آن افزوده است.

هدف پژوهش

هدف اساسی این پژوهش فهم و تبیین مهم‌ترین چالش‌هایی است که فقه سیاسی در هر دو تلقی آن (فقه سیاسی به‌مثابه شاخه‌ای از دانش فقه، و فقه سیاسی به‌مثابه شاخه‌ای از دانش سیاسی اسلامی) با آنها روبه‌روست. با وجود این، نگارنده تلاش می‌کند پس از تبیین چالش‌های یادشده، ملاحظاتی اندک در بررسی چالش‌ها داشته باشد و به آنها به اختصار پاسخ دهد. چنین پژوهشی بی‌تردید، نخستین گام برای تقویت جایگاه معرفتی فقه سیاسی محسوب می‌شود. شناخت چالش‌های فراروی هویت معرفتی فقه سیاسی زمینه لازم برای پاسخ‌گویی عالمانه به آنها را ایجاد می‌کند و در نتیجه تقویت و ارتقای معرفتی فقه سیاسی را در پی دارد. افزون بر این، بالابردن کارایی فقه سیاسی در زندگی سیاسی مسلمانان و به‌ویژه در جامعه اسلامی ایران نیازمند شناخت دقیق چالش‌های یادشده است. با شناخت آنها و برطرف کردن موانع عملی نشئت‌گرفته از آنها می‌توان فاصله موجود میان واقعیت‌های زندگی سیاسی و آموزه‌های فقهی را کاهش داد و از این طریق به افزایش کارایی آن یاری رساند.

سوالات پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که مهم‌ترین چالش‌های فقه سیاسی کدام است و چه راهکارهایی در پاسخ به آنها وجود دارد؟ سوالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. فقه سیاسی چیست و موضوع آن کدام است؟
۲. مهم‌ترین چالش‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی چیست و چه راه‌هایی برای پاسخ دادن به آنها وجود دارد؟
۳. مهم‌ترین چالش‌های فقه سیاسی و راه‌های پاسخ‌دادن به آنها کدام است؟
۴. مهم‌ترین چالش‌های موضوعی فقه سیاسی و راه‌های پاسخ‌دادن به آنها کدام است؟

طرح فرضیه به مفهوم دقیق در پژوهش حاضر امکان‌پذیر نیست. با وجود این، در پاسخ به پرسش اصلی، مهم‌ترین چالش‌های فقه سیاسی بر طبق رویکرد حاکم بر آن به سه دسته معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و موضوعی تقسیم و راهکارهای آن نیز به تناسب در سه دسته تبیین می‌شوند.

در یک‌دسته پژوهش حاضر، تحلیلی است. تلاش می‌شود با تحلیل ماهیت فقه سیاسی سوره‌های معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و موضوعی آن تبیین شود. از آنجا که به زعم نگارنده فقه سیاسی دانشی ارتباطی است، پیوندی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی با فقه و پیوندی موضوعی با سیاست پیدا می‌کند. این ارتباط موجب پرسش‌ها و چالش‌هایی است که به تناسب در سه قسم چالش‌های معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و موضوعی تقسیم می‌شوند. بدین‌سان، راهکارها و پاسخ‌ها نیز در این سه قسم تبیین‌شدنی هستند؛ که در این پژوهش در بخش درآمد به آنها پرداخته می‌شود.

سازمان‌دهی پژوهش

در پاسخ به پرسش اصلی، پژوهش حاضر در چهار فصل سازماندهی می‌شود. تبیین چالش‌های فراروی فقه سیاسی به دلیل کثرت و تنوع آنها، نیازمند طبقه‌بندی خاصی است. این طبقه‌بندی نیز ناگزیر بر اساس معیار خاصی انجام می‌شود که قبل از هر چیز، توضیح آن ضروری است. بر این اساس، در فصل نخست ضمن توضیح مفاهیم اساسی پژوهش به منظور ارائه و تبیین چارچوب مفهومی آن، چالش‌ها بر اساس ماهیت فقه سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند. بر پایه این طبقه‌بندی، فصول بعدی پژوهش سامان می‌گیرند. فصل دوم عهددار تبیین چالش‌های معرفت فقه سیاسی است که به اقتضای خصلت ارتباطی دوسویه فقه سیاسی با فقه و سیاست، در دو بخش جداگانه چالش‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی در ارتباط با فقه و نیز سیاست تبیین و بررسی می‌شوند. فصل سوم، به چالش‌های روش‌شناختی فقه سیاسی در این دو زمینه می‌پردازد. فصل چهارم شامل تبیین چالش‌های موضوعی فقه سیاسی است. این چالش‌ها نیز از

ارتباط فقه سیاسی با فقه و سیاست از نظر موضوعی نشست می‌گیرند و به همین سان، در دو بخش بررسی می‌شوند. این تحقیق درآمدی بر این بحث مهم است و می‌تواند زمینه‌ساز تبادل نظر درباره آن باشد.

بی‌تردید، انجام دادن هر پژوهشی و عرضه آن به جامعه علمی در گرو مساعدت‌های ارزشمندی است. این پژوهش نیز بدون یاری سرورانی ارجمند به سرانجام نمی‌رسید. از ارزیابان و ناظران علمی که در غنابخشی به اثر حاضر نقشی به‌سزا و ستودنی داشتند و از مسئولان محترم پژوهشگاه به‌ویژه رئیس محترم آن حجت‌الاسلام والمسلمین رشاد، معاون محترم پژوهشی، رئیس محترم گروه سیاست و اعضای محترم هیئت علمی و کارشناس محترم آن سپاسگزارم. بی‌شک، این اثر کاستی‌های فراوانی دارد که جز با الطاف خوانندگان فرهیخته برطرف نمی‌شود.

منصور میراحمدی